

علوم حدیث در ربع نیشابور طی چهار سده نخستین اسلامی

مهدی حاجیان^۱

مهروز بهروزی^۲، محمد سپهری^۳

دریافت: ۱۳۹۷/۹/۲، پذیرش: ۱۳۹۷/۱۰/۲۷، صفحه ۱۵۷ تا ۱۷۴

چکیده

هدف این مطالعه بررسی وضعیت علم حدیث در ربع نیشابور طی چهار سده نخست اسلامی است؛ گوشه‌ای از قلمرو اسلامی که با برخورداری از موقعیت خاص جغرافیایی و شرایط ایده‌آل زیست محیطی، محل گرد آمدن تعداد زیادی از فقها، عالمان و بزرگان حدیث و حوزه شکل‌گیری بخشی از فعالیت‌های بزرگ حدیثی در سده‌های نخستین اسلامی بود. می‌خواهیم نشان دهیم اعتبار و رونق علم حدیث در نیشابور مرهون عنایت بزرگان دین، نظیر علی بن موسی الرضا (ع) و تصحیح مجموعه‌های حدیثی و روایت‌های معتبر و مستند از جمله حدیث سلسله الذهب، به همراه فعالیت محدثان بزرگ و نام آور شیعه و عامی‌مذهب بوده است. چنان که خواهیم دید، در پی تلاش‌های حدیثی محدثان حوزه حدیث نیشابور در گردآوری روایات و یادگیری و آموزش آن‌ها، آثار فراوانی توسط محدثان بزرگی چون مسلم بن حجاج، فضل بن شاذان و حاکم نیشابوری تدوین گردید. نیز، خواهیم دید اشتها آثاری مثل صحیح مسلم سبب شد این آثار در نیشابور نیز محوری برای تصنیفات حدیثی جدیدی نظیر کتب مستخرج و مسانید شوند.

واژگان کلیدی: ربع نیشابور، علم الحدیث، محدثان، حدیث شیعه، دارالسنّة.

۱. دانشجوی دکتری رشته الهیات و معارف اسلامی - تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.
Mahdi.hajian1357@gmail.com

۲. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران (مسئول مکاتبات).

mehrnaz_behroozi@yahoo.com

sepehran55@gmail.com

۳. استاد دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.

درآمد

رُبُع^۱ نیشابور یکی از ارباع چهارگانه خراسان بزرگ و از مراکز علمی برجسته در جهان اسلام است که مجمع شاعران، ادیبان، فقیهان، مورخان، فیلسوفان، پزشکان، منجمان، ریاضی‌دانان و محدثان مشهوری بوده است. انبوهی دانشمندان در نیشابور آن را همچون یکی از مراکز مهم حدیثی و بخشی مهم و تأثیرگذار در حوزه حدیثی خراسان در سده‌های نخستین اسلامی خاصه سده‌های ۲-۴ق مطرح می‌کند. نیشابور به لحاظ وضعیت جغرافیایی و اجتماعی، موقعیت سرزمینی، آب و هوا و زیست‌بوم مناسب و داشتن مراکز متنوع علمی مورد توجه علما و دانشمندان قرار گرفت و با رویش، پرورش و پذیرش علما، فقها و محدثین برجسته و مشهور در خود و پرداختن به علم حدیث و فعالیت‌های حدیثی در کنار سایر علوم رایج، به صورت قابل توجهی بر اوضاع فرهنگی، مذهبی و اجتماعی جامعه خود تأثیر گذاشت. بزرگان نیشابوری حدیث اهل سنت و شیعه و شاگردان ایشان ظرفیت بزرگی از جامعه حدیثی را در سده‌های نخستین اسلامی در نیشابور پدید آوردند و آنجا را در خلق آثار و تألیفات حدیثی در کنار شهرهای مهمی چون سمرقند و بخارا قرار دادند.

طرح مسئله

با وجود دانشمندان، فقها و محدثان برجسته و رونق علمی در ربیع نیشابور، پرسش اصلی این است که علم حدیث در این منطقه همچون یکی از علوم رایج چه وضعیتی داشته، و حیات علمی آن از چه تحولاتی برخوردار بوده است؟ در این مطالعه با تمرکز روی چهار سده نخستین اسلامی تلاش خواهیم

۱. غالباً این واژه را در اضافه به نیشابور با فتح راء تلفظ می‌کنند و این گونه، «ربیع نیشابور» را اصطلاحی ناظر به یک نوع محیط علمی شبیه «ربیع رشیدی» تبریز می‌انگارند. با این حال، به نظر می‌رسد که تلفظ صحیح واژه به ضم راء باشد. اولاً، ربیع به فتح راء به معنای خانه، و ربیع رشیدی خانه‌ای بزرگ و سرای دانشمندان بوده است؛ اما کاربرد ربیع برای اشاره به یک ناحیه جغرافیایی بزرگ وجه و نمونه‌ای ندارد. ثانیاً، می‌دانیم جمع ربیع در عربی ارباع نیست و رباع است. در بسیاری از گزارشها تصریح شده که نیشابور یکی از «ارباع» خراسان است. ارباع جمع ربیع به معنای یک‌چهارم است و می‌دانیم خراسان بزرگ در تقسیمات کشوری کهن به چهار بخش تفکیک می‌شده است: نیشابور و هرات و بلخ و مرو، یا تقسیمات چهارگانه مشابه دیگر در ادوار دیگر (ویراستار).

کرد پیدایی و تداوم حیات علم حدیث را در ربیع نیشابور بکاویم و تأثیرات و تحولات علم حدیث را بر فقها، محدثان و آثار و فعالیت های حدیثی ایشان بازشناسیم.

در مطالعه حاضر نخست جغرافیای ربیع نیشابور به لحاظ تاریخی، محدوده جغرافیایی، ملحقات و ویژگی های محیطی و طبیعی مطرح خواهد شد، سپس توضیحاتی پیرامون اهمیت حدیث و جایگاه علم حدیث ارائه می گردد. در ادامه، حیات علمی و سیر تاریخی علم حدیث در نیشابور، نظیر فعالیت های حدیثی سنی و شیعه، مسافرت های محدثان، و ویژگی های حوزه حدیثی نیشابور همچون مباحث اصلی، تشریح و تبیین خواهد شد.

شایان ذکر است ربیع نیشابور گستره جغرافیایی وسیعی از چندین شهر بزرگ از جمله نیشابور را دربر می گرفته، که با واقع شدن این شهر همچون مرکز ربیع و داشتن جایگاه محوری در تغییرات و تحولات سیاسی و اجتماعی آن منطقه، نام نیشابور پرتکرارترین عنوانی است که در تاریخ فرهنگ اسلامی برای اشاره به این منطقه جغرافیایی و عالمان زیسته در مناطق مختلف آن به کار گرفته می شود.

در سخن از پیشینه مطالعه باید گفت یگانه پژوهش مستقلی که در باب علم حدیث در نیشابور و در بازه زمانی مورد بحث در مطالعه کنونی صورت گرفته، پایان نامه کارشناسی ارشد احمدرضا شرفی است با عنوان *تحلیل حوزه حدیثی نیشابور از ابتدا تا اوایل قرن هفتم* (۱۳۸۸ش)، که البته مؤلف در این اثر بیش تر بر سده های متأخر تمرکز کرده، و کم تر به وضعیت حدیث در نیشابور در چهار سده نخستین هجری پرداخته است. در دیگر مطالعات البته گهگاه می توان اشاراتی به جایگاه حدیث در نیشابور دید. از جمله این آثار مقاله زهرا نبی است با عنوان «باز شناسی مکاتب حدیثی خراسان از قرن ۳-۵ق». وی در این ضمن بحث از نواحی مختلف خراسان، به نیشابور هم پرداخته است (نک: نبی، ۱۳۹۵ش، سراسر اثر). مطالعه شایان توجه دیگر، اثر احمدرضا ثنایی و احمد بادکوبه هزاوه است با عنوان «رحله های محدثان نیشابور در سده های ۳-۶ق و پیوند آن با معیشت ایشان». این اثر بازه زمانی متفاوتی از مطالعه پیش رو را بازمی کاود و مسافرت های محدثان و ارتباط آن با معیشت ایشان را تحلیل می کند.

۱. جغرافیای تاریخی ربع نیشابور

با توجه به نقش مهم و تأثیرگذار جغرافیای تاریخی یک سرزمین در تحولات گوناگون اجتماعی، از جمله رونق علمی، لازم است پیش از پرداختن به مباحث اصلی جغرافیای ربع نیشابور به لحاظ تاریخی، محدوده جغرافیایی، ملحقات و ویژگی‌های محیطی و طبیعی آن بررسی شود.

الف) راه‌یابی اسلام به نیشابور

با شروع فتوحات مسلمانان در سرزمین‌های ایران از اوایل دهه دوم سده نخست هجری، فتح شرق ایران یعنی خراسان آغاز گشت و شهرهای آن از جمله نیشابور یکی پس از دیگری تصرف شدند. طبری، فتح نیشابور را به دوره خلیفه دوم و به سال‌های ۱۷ یا ۲۳ ق نسبت داده است (طبری، ۱۳۶۹ش، ۵/۲۱۷۱).

با راهی شدن احنف بن قیس به سرزمین خراسان، مُطَرِّف بن عبدالله از طرف وی نیشابور را تسخیر نمود. این فتح دیری نپایید و با کشته شدن عمر اوضاع نابسامان و آشفته‌ای شکل گرفت. ظلم و ستم عمال حکومتی و شورش و پیمان شکنی مردم مسلمانان را به صورت موقت، از نیشابور پس زد (گرایلی، ۱۳۷۴ش، ۲۴).

با انتخاب و جایگزینی عثمان به منصب خلافت و از سرگیری فتح خراسان، مسلمانان مجدداً به بازپس‌گیری نیشابور اقدام نمودند و فتح قطعی آن در زمان خلیفه سوم صورت گرفت؛ بدین شکل در سال ۳۲ هجری عبدالله بن عامر به سمت خراسان گسیل شد و با فتح دوباره نیشابور، آنجا را مرکز حکمرانی خود نمود (حاکم نیشابوری، ۱۳۷۵ش، ۲۰۲-۲۰۳).

ب) تریب خراسان

در زمان ولایت زیاد بن ابیه بر کوفه و ایران، خراسان بزرگ به تاسی از ساسانیان به چهار منطقه تقسیم، و نیشابور در کنار مرو، هرات و بلخ یکی از مهم‌ترین بخش‌های آن منطقه محسوب شد (طبری، ۱۳۶۹ش، ۵/۲۲۴). در میان ارباع ذکر شده ربع نیشابور همچون یکی از ارباع مهم خراسان بزرگ با موقعیت جغرافیایی، وسعت و آبادانی، همچون مهم‌ترین شهرهای آن دیار در امر علم حدیث از اهمیت برخوردار است (یاقوت حموی، ۱۳۸۳ش، ۲/۳۵۱).

تقسیم بندی خراسان به چهار ربع در آثار جغرافی‌شناس معروف سده ۴ق، مقدسی (۳۳۶-۳۸۰ق) به گونه‌ای دیگر گزارش شده است. وی به نقل از بلاذری اذعان می‌دارد که خراسان چهار ربع است که ربع اول آن ایرانشهر و شامل نیشابور، قهستان، هرات و توس؛ ربع دوم آن مرو شاهان (مرو)، سرخس، نسا، ابیورد، طالقان و خوارزم، ربع سوم آن شامل جوزجانان، بلخ و صغانیان و ربع چهارم دربردارنده ماوراءالنهر است (مقدسی، ۱۳۶۱ش، ۳۱۳).

ربع نیشابور پهنه گسترده‌ای بود که از شرق به حوزه مرو و هرات، از غرب به قومس، دامغان و جوزجان، از شمال به نسا، ابیورد و خابوران، و از جنوب غالباً بخش مهمی از قهستان را نیز دربر داشت و در یک مرکزیت هندسی با فواصل مساوی از شهرهای پیرامونش جای گرفته بود (زارعی، ۱۳۹۳ش، ۷). به تعبیر کاربسته در متون کهن جغرافیایی، ربع نیشابور ایالت ابرشهر یا ایرانشهر خوانده می‌شد (مقدسی، ۱۳۶۱ش، ۴۳؛ اصطخری، ۱۳۶۸ش، ۲۰۴) و مرکز ناحیه‌ای به همین نام بود (برای تحلیلی ریشه‌شناختی از نام ابرشهر، نک: مشکور، ۱۳۷۱ش، ۶۹۶-۶۷۲).

پ) وضعیت اقلیمی

بزرگی و وسعت نیشابور و بهتر و مناسب بودن هوای آن در بین شهرهای خراسان زبانزد بود (اصطخری، ۱۳۶۸ش، ۲۰۲). ابن حوقل در تأیید این مطلب خاطر نشان نموده است که در سراسر خراسان شهری در سلامت هوا و پهناوری به نیشابور نمی‌رسد (ابن حوقل، ۱۳۶۶ش، ۱۶۸). وی در فراوانی و تعداد زیاد جامعه علمی نیشابور، اذعان می‌کند که نویسندگان، ادیبان و دانشمندان بسیاری در نیشابور حضور داشته، و از آنجا فقیهان معروف و عالی قدری برخاسته است (همان، ۱۶۹).

درباره موقعیت ویژه و ظرفیت‌های بزرگ اجتماعی نیشابور در *تاریخ جهانگشا* موارد مهمی ذکر شده است. جوینی در این اثر از نیشابور همچون شهری بزرگ که مرکز فضلا و معدن علما بوده یاد نموده است. وی به نقل از بظلمیوس نیشابور را به منزله دالان و معبر مشترک ممالک شرقی دانسته، و گزارش داده است که مانی و مزدک که دعوی پیامبری داشتند، از این شهر برخاسته‌اند (جوینی، ۱۳۶۶ش، ۹۰۷-۹۱۳).

مطالب پیش گفته نشان می‌دهد نیشابور با برخورداری از قدمت و موقعیت مناسب جغرافیایی نظیر مواهب طبیعی، کوه‌های بلند، دشت بزرگ و وسیع، زمین‌های حاصل‌خیز، راه‌های ارتباطی، و آب و هوای مناسب در اعصار مختلف مورد توجه قرار داشته است.

۲. رویدادهای اثرگذار بر علوم حدیث در نیشابور

گزارش‌ها حاکی است که برخی خراسانیان در جریان تدوین حدیث پیش‌گام بودند. از جمله این افراد عبدالله بن مبارک (د ۱۸۱ق) را باید یاد کرد که آثار حدیثی متعددی از وی برجا مانده است. به نظر می‌رسد که دست‌کم از اواخر سده ۲ق حضور محدثان در نیشابور، جریان‌ی مهم و اثرگذار در سراسر جهان اسلام است.

الف) حضور امام رضا (ع)

از شواهد حضور گسترده محدثان در نیشابور در اواخر سده ۲ق، گزارشها درباره سفر امام رضا (ع) به این شهر است. گزارشها درباره گفتگوی ایشان با مردم و همچنین مناظره با مشایخ بزرگ آن دیار حاکی از آن است که امام رضا (ع) در زمان ورودش به نیشابور در سال ۲۰۰ق مورد استقبال جمع بزرگی از محدثان شهر از جمله اسحاق بن راهویه قرار گرفته است (حاکم نیشابوری، ۱۳۷۵ش، ۹۱، ۲۰۷، ۲۱۲؛ نیز نک: قندوزی، ۱۴۱۶ق، ۳/۱۲۴).

گفته‌اند امام رضا (ع) ۴ سال در نیشابور اقامت نمودند (حاکم نیشابوری، ۱۳۷۵ش، ۲۰۸-۲۰۹). امام رضا (ع) در این مدت خود نیز به املاء حدیث پرداختند (نک: کسائی، ۱۳۸۳ش، ۲۰۹). حدیث معروف به سلسله الذهب یک نمونه از روایاتی است که امام رضا (ع) در نیشابور برای مردم ایراد کردند (ابن بابویه، ۱۳۶۴ش، ۲/۳۷۴-۳۷۵؛ نیز نک: عطاردی، ۱۴۰۶ق، ۲۵۰؛ برای دیگر نمونه‌ها از روایات امام رضا (ع) در نیشابور، نک: کسائی، ۱۳۸۳ش، ۲۰۹).

افزون بر املاء حدیث، امام رضا (ع) گاه روایات موجود نزد عالمان نیشابوری را تصحیح می‌کردند (کشی، ۱۴۰۴ق، ۲۲۴، ۲۳۴). نیز، حضور ایشان در مناظره‌هایی با دانشمندان ادیان مختلف یا فقیهان و متکلمان مذاهب متنوع سبب می‌شد خواه‌ناخواه روایات فراوانی هم از قول ایشان در نیشابور نقل شود

(حسنی، ۱۴۱۱ق، ۲/ ۴۱۱). به همین سبب، در کم‌تر بابی از ابواب فقهی هست که حدیث یا رأیی از امام رضا (ع) نرسیده باشد (همانجا).

بزرگان عامی‌مذهب حوزه حدیثی نیشابور که امام رضا (ع) را عالمی مدنی از خانواده پیامبر اکرم (ص) تلقی می‌کردند، اهتمام فراوان به روایات وی ورزیدند و برای آنچه وی با اسنادهای خاص خود به نقل از پدرانش از پیامبر اکرم (ص) نقل می‌نمود، ارزش بسیار قائل می‌شدند (نک: حیدری‌نسب، ۱۳۹۴ش، ۹۷). محدثان سرشناسی همچون محمد بن اسلم طوسی، احمد بن حرب، اسحاق بن راهویه، یحیی بن یحیی و ابو زرعه رازی از این عالمان بودند (همو، ۱۰۴).

ب) تألیف آثار حدیثی

از میانه سده ۳ق، تدوین اولین جوامع حدیثی اهل سنت - *الجامع الصحیح* تألیف ابو عبدالله محمد بن اسماعیل بخاری (د ۲۵۶ق) و *صحیح مسلم بن حجاج نیشابوری* (د ۲۶۱ق) - در خراسان به انجام رسید (غفرانی، ۱۳۸۳ش، ۱۹۸).

مسلم نیشابوری از محدثان بزرگ اسلامی و شاگرد بخاری بود که دومین مجموعه از صحاح سته معروف در میان عامه مسلمانان را تألیف نمود (غنیمه، ۱۳۸۸ش، ۵۹). این کتاب پراهمیت‌ترین اثر مسلم در بین اهل سنت بود. مسلم در نقاط متعددی از سرزمین‌های اسلامی از جمله حجاز، عراق، ری و مصر حدیث شنید؛ اما محل اصلی استقرار و معیشت او نیشابور بود (ذهبی، ۱۹۹۷م، ۱۲/ ۵۷۰).

کتاب *صحیح مسلم* از ارکان اساسی علم حدیث در میان عامه بود (صفا، ۱۳۷۱ش، ۱/ ۷۴). مسلم نیشابوری در ۳۰۰۰۰۰ حدیث تجدید نظر کرد و فقط ۱۲۰۰۰۰ از آنها، یعنی چهار درصد را معتبر شناخت (برای تفصیل بحث درباره روش او، نک: پطروشفسکی، ۱۳۵۰ش، ۱۳۷). حاکم نیشابوری تألیفات وی را که در زمینه علوم مختلف تدوین شده بود، بالغ بر ۲۰ اثر دانسته است (حاکم، ۱۳۷۵ش، ۸۱) به جز *صحیح*، آثار دیگری نظیر *علل الحدیث*، *المنفردات والوحدان*، *اوهام المحدثین*، *طبقات التابعین*، *المسند الكبير على اسماء الرجال والاسماء والکنی* از تألیفات او ست (شرفی، ۱۳۹۴ش، ۱۵۴).

صحیح مسلم و روش او در نقد روایات معیاری بر تألیفات بعدی در حدیث شد. افرادی چون ابوعمران جوینی نیشابوری، ابوبکر صبیغی نیشابوری، ابوالولید نیشابوری (د ۳۴۹ق) از علمای حدیثی بودند که در تألیف کتاب‌های حدیثی خود معیارهای پذیرش احادیث را مطابق با معیارهای مسلم تنظیم نمودند (ذنون، ۱۳۹۴ش، ۱۶۸-۱۶۹).

افزون بر این، شماری از عالمان هم به نگارش مستخرج روی آوردند؛ نوعی از تألیف حدیثی که با محور قرار دادن آثاری همچون صحیح مسلم و صحیح بخاری شکل گرفت و مؤلف در آن می‌کوشید روایات این دو کتاب را با اسانیدی که خود در اختیار داشت نقل کند (ابن صلاح، ۱۴۰۴ق، ۲۳-۲۲). از جمله مستخرجهایی که بر صحیح مسلم نوشته شد، صحیح احمد بن حمدان حیری نیشابوری (د ۳۱۱ق) و المسند الصحیح یعقوب بن اسحاق اسفراینی نیشابوری است. شمار فراوانی از دیگر محدثان نیشابور نیز بر صحیح مسلم و بخاری مستخرج نوشتند (برای سیاهه‌ای از این مستخرجه‌ها، نک: ناجی، ۱۳۹۲ش، ۵۴۴-۵۴۵).

مسندنویسی نوع دیگری از تصنیفات حدیثی بود که با معیار قراردادن صحیح مسلم شکل گرفت و برخی از محدثان نیشابوری در آن صاحب اثر و تألیفاتی شدند (ناجی، ۱۳۹۲ش، ۵۴۷). مسند تألیفی است که نویسنده در آن روایات را به ترتیب الفبایی یا زمانی صحابه یا آنساب، گردآوری می‌کند و سند احادیث از شخص راوی تا ناقل نخستین آن از پیامبر اکرم (ص) به نحوی کامل و پیوسته نقل می‌کند (صبحی صالح، ۱۳۷۹ش، ۲۲۸، ۳۰۵).

حسین بن محمد نیشابوری، ابراهیم بن ابی طالب محمد نیشابوری، اسحاق بن ابراهیم بشتی نیشابوری، محمد بن سراج ثقفی نیشابوری، علی بن حمشاد نیشابوری، حسین بن محمد ماسرجسی، محمد بن احمد بن فضل سختیانی نیشابوری و ابن آخرم شیبانی نیشابوری گردآورنده مسندهای متعدد و مهمی با محوریت روایات صحیح مسلم هستند (ناجی، ۱۳۹۲ش، ۵۴۸-۵۴۷).

از پیشگامان جریان نگارش کتب اربعین نیز، باید ابوعمرو محمد بن احمد بحیری نیشابوری (د ۳۹۶ق) را یاد کرد (سیوطی، ۱۴۰۹ق، ۴۲۰)؛ جریانی که در سراسر جهان اسلام با اقبال گسترده روبه‌رو شد.

پ) محدثان بزرگ نیشابور

در سده‌های ۳ و ۴ ق نیشابور به سبب حضور محدثان برجسته از جایگاه مهمی برخوردار بود. از جمله این محدثان ابومحمد فضل بن شاذان نیشابوری (۱۹۰-۲۶۰ق) است. وی در اصل عرب و از قبیله اَزْد بود (علامه حلی، ۱۴۰۲ق، ۷۶۹) که در مهاجرت‌های نخست عربها به خراسان آمد و اجدادش در نیشابور ساکن شدند (جعفریان، ۱۳۹۱ش، ۱۷۴؛ نیز نک: اخوان، ۱۳۹۴ش، ۲۵۲). معروف است که فضل بن شاذان در حدود یکصد و هشتاد تألیف داشته که بسیاری از آنها از میان رفته است (مؤید ثابتی، ۱۳۳۵ش، ۵۸). در همان دوره از محدثان دیگری همچون ابومحمد عبدالله بن علی نیشابوری مؤلف *المنتقى من السنن* (ذهبی، ۱۹۹۷م، ۱۱/۲۷۱) و ابواحمد کرابیسی نیشابوری مؤلف *العلل* می‌توان یاد کرد (همان، ۱۲/۴۳۳).

در سده ۴ ق دنباله کار ائمه حدیث در سده ۳ ق گرفته شد (صفا، ۱۳۷۱ش، ۱/۲۷۲). حاکم نیشابوری (د ۴۰۵ق) همچون بزرگترین محدث از محدثان این سده در سراسر عالم اسلامی سرشناس بود و بزرگان حدیث آن عصر برای سماع و نقد حدیث به وی رجوع می‌نمودند. این که گفته‌اند وی از ۱۰۰۰۰ شیخ در نیشابور و همین تعداد از شیوخ مناطق دیگر حدیث شنید (سبکی، بی‌تا، ۳/۶۵)، نشان می‌دهد نیشابور به تنهایی مرکزی چنان بزرگ برای حدیث بوده که شمار عالمان بزرگ آن با همه دیگر مناطق برابری می‌کرده است. باری، او در بلاد اسلامی از حجاز، شام، عراق عرب و عجم، ری، طبرستان، قومس، خراسان و ماوراءالنهر چهره‌ای بلامنازع شناخته می‌شد (سبکی، بی‌تا، ۴/۱۱۵۹).

گفته‌اند وی ۱۵۰۰ جزء در علوم مختلف حدیث تألیف نموده که آثاری چون *المستدرک علی الصحیحین*، *معرفة علوم الحدیث*، *العلل*، *الامالی*، و *تاریخ نیشابور* از جمله این آثار است (برای دیگر آثار وی، نک: مؤید ثابتی، ۱۳۳۵ش، ۶۰؛ حیدری نسب، ۱۳۹۴ش، ۹۸). *معرفة علوم الحدیث* او از نخستین آثاری است که در شرح مفاهیم و اصطلاحات و مسائل کلی علم حدیث تدوین شد (ناجی، ۱۳۹۲ش، ۵۵۱-۵۵۲). افزون بر این، حاکم نیشابوری از عالمانی است که در آثارش به گردآوری روایات امامان شیعه هم اهتمام نشان داده است. وی کتاب *من کُنت مولاه فعلى مولاه* و *حدیث الطائر* را در

این راستا نوشت (ذنون، ۱۳۹۴ش، ۱۷۰).

از دیگر محدثان بزرگ سده ۴ق در نیشابور می‌توان ابو عوانة یعقوب بن اسحاق نیشابوری (د ۳۱۶ق)، ابوبکر محمد بن منذر (د ۳۱۸ق) صاحب آثاری مثل *الاشراف علی مذاهب العلماء*، ابو عبدالله شیبانی معروف به ابن آخرم (د ۳۴۴ق)، ابوطاهر محمد بن محمّش زیادی (۳۱۷-۴۱۰ق)، و صوفی و مفسر و محدث مشهور ابوالقاسم عبدالکریم بن هوازن قشیری (۴۶۵-۳۷۶ق) را یاد کرد (صفا، ۱۳۷۱ش، ۸/ ۲۷۴؛ مؤید ثابتی، ۱۳۳۵ش، ۵۸-۶۳). افزون بر مردان، زنانی هم در نیشابور به فنون حدیث اشتغال داشته‌اند (برای نمونه، نک: قرشی، ۱۹۹۳م، ۳۱۳).

۳. نشاط علمی اصحاب حدیث در نیشابور

در اثر مجموع عوامل فوق، نیشابور در سراسر سده‌های متقدم اسلامی مرکز مهمی در شرق جهان اسلام برای علوم حدیث بود و جریانهای فکری مختلف از عالمان حدیث در آن حضور فعال داشتند.

الف) کوششهای شیعیان

فشارهای سیاسی خلافت عباسی به فقیهان و محدثان شیعه (جباری، ۱۳۷۹ش، ۶۴) سبب شد که از سده ۲ق به بعد، خراسان محل مناسبی برای حضور و رشد تشیع باشد. از آن جمله، محمد بن علی نیشابوری از وکلای امامان شیعه (ع) در نیشابور بود. او در دوره امامت امام صادق (ع) رابط میان ایشان با شیعیان نیشابور بود، به سؤالات شرعی مردم پاسخ می‌داد و وجوهات شرعی آنها را برای امام ارسال می‌نمود. برای نمونه، نقل است که وی با یک کاروان مبلغ ۳۰۰۰۰۰ دینار، ۵۰۰۰۰۰ درهم و ۲۰۰۰۰ هزار قطعه لباس به مدینه فرستاد (نک: جعفریان، ۱۳۹۱ش، ۱۷۵).

حضور کوتاه امام رضا (ع) در نیشابور عاملی شد برای تعمیق و تقویت حدیث شیعی و پیدایی محدثان در نواحی مختلف خراسان (همان، ۶۷). این گونه، شمار فراوانی از راویان و محدثان شیعی در سده ۴ق در حوزه درسی نیشابور حضور یافتند، تمرکز شیعیان در نیشابور بیش تر شد و حلقه‌های درسی متعددی تشکیل گردید (کشی، ۱۴۰۴ق، ۲۳۴). این امر البته با گسترش پیروان تشیع در نیشابور نیز همراه بود؛ چرا که امام در مناظرات کلامی‌شان دیدگاه شیعی را در مسائل مختلف دینی تبیین می‌نمودند (شرفی،

۱۳۹۴ ش، ۱۴۸).

بعد از خروج امام رضا (ع) از نیشابور نیز ارتباط مردم آن شهر با ایشان ادامه یافت. از جمله محدثان و عالمان شیعه نیشابور که نماینده امام رضا (ع) بودند، می‌توان به فضل بن سنان نیشابوری و ابراهیم بن سلامه اشاره کرد (شیخ طوسی، ۱۳۸۰ ش، ۳۶۹، ۳۸۵). آن‌ها و کلائی مورد تأیید بودند و مأموریت‌هایی در نیشابور به انجام رساندند (همان، ۵۷۹). در دوران‌های بعد هم این وکالت‌ها استمرار یافت. می‌توان در کتب رجال و فهرست نام بسیاری از وکلاء و اصحاب خاص ائمه (ع) را در نیشابور بازشناخت که راویان اخبار و حدیث اهل بیت (ع) نیز بودند.

سرسلسله آن‌ها فضل بن شاذان نیشابوری (د ۲۶۰ ق) است. فضل راوی حدیث و معاصر با پنج تن از ائمه (ع) بود و از برخی از ایشان روایت می‌نمود (جعفریان، ۱۳۹۱ ش، ۱۷۵، ۲۵۹). فضل در دوران خلافت مأمون و سپس دوره طاهریان در نیشابور می‌زیست (مؤید ثابتی، ۱۳۳۵ ش، ۵۸) و بالغ بر ۱۸۰ عنوان تألیف داشت (نجاشی، ۱۳۹۷ ش، ۳۰۶-۳۰۷). او در زمان امام عسکری (ع) معتبرترین عالم شیعی خراسان بود و آن حضرت به او عنایت ویژه داشتند. ابن بابویه، ابوعمرو کشی، شیخ طوسی و کلینی روایاتی از ائمه (ع) را به وساطت از وی نقل کرده‌اند (جعفریان، ۱۳۹۱ ش، ۱۷۴؛ برای دیگر وکلای امام عسکری (ع) در نیشابور که شاید از اهل علم بوده باشند، نک: شیخ طوسی، ۱۳۸۰ ش، ۵۴۳-۵۴۴، ۵۷۵-۵۷۹).

دسته دیگر از محدثان شیعی نیشابور مهاجرانی علوی بودند که دست‌کم نام ۲۱ نفر از ایشان در شمار عالمان حدیث یاد شده است (جعفریان، ۱۳۹۱ ش، ۱۷۸). ابو سعید حمدان بن سلیمان نیشابوری (نجاشی، ۱۳۹۷ ش، ۲۹۹-۱۳۸)، علی بن محمد بن قتیبه نیشابوری، علی بن شجاع نیشابوری، ابراهیم بن محمد بن فارس نیشابوری (شیخ طوسی، ۱۳۸۰ ش، ۴۱۰-۴۳۳) و عمرکی بن علی بوفکی نیشابوری (کشی، ۱۴۰۴ ق، ۱/۱۳۸) از این محدثان اند.

ب) عالمان عامه

محدثان عامی‌مذهب نیز در نیشابور فعالیت گسترده داشتند. با برخورداری ایشان از اکثریت جمعیتی،

فعالیت‌های حدیثی اینان از مراکز و نهادهای علمی همچون مساجد و مدارس فراتر می‌رفت و حلقه‌های درسی، مناظرات، و مجالس املاء و سماع حدیث‌شان در نهادهای دیگری نظیر دارالسنه‌ها و منازل علماء دنبال می‌شد.

دارالسنه‌ها گونه‌ای از نهادهای علمی مستقل از مدارس بودند که اصحاب حدیث را در خود جای می‌دادند و در آنها املاء و سماع حدیث دائم جریان داشت (ذنون، ۱۳۹۴ش، ۵۷). از جمله مدرسان این دارالسنه‌ها می‌توان از ابومحمد حسن بن احمد مخلصی نیشابوری یاد کرد (همانجا). هزینه اداره این اماکن از محل اوقاف تأمین می‌شد (برای نمونه، نک: ذهبی، ۱۹۹۷م، ۱۲/۲۰۰).

در کنار دارالسنه‌ها، بیوتات و خاندان‌های مختلفی نیز در نیشابور بودند که محدثانی سرشناس از آنها برمی‌خاست (برای جایگاه این بیوتات در توسعه علوم حدیث، نک: معارف، ۱۳۷۴ش، ۳۵۹). از جمله این خانه‌ها در نیشابور می‌توان خانه ابواسحاق ابراهیم بن محمد بسطامی را یاد کرد که آموزش حدیث در آن شکلی گسترده داشت (حاکم نیشابوری، ۱۳۷۵ش، ۱۳۴).

نتیجه این فضای فرهنگی آن بود که شمار راویان و محدثان نیشابور با دیگر بلاد جهان اسلام قابل قیاس نباشد. حاکم نیشابوری، در *تاریخ نیشابور* خود با ذکر ۲۰۶۸۰ نفر از بزرگان برخاسته از نیشابور، ۱۰۰۴۹ نفر از آنان را تحت عنوان مشایخ حدیث یاد می‌کند (حاکم نیشابوری، ۱۳۷۵ش، ۱۹۶-۱۴۷). این‌ها محدثانی هستند که حاکم خود از ایشان سماع حدیث دارد. نمونه دیگر از این حضور گسترده را می‌توان در گزارش‌ها از گردهم‌آیی بیش از ۵۰۰ نفر از جویندگان علم در حلقه درس عالمی چون ابوطیب صلوکی در اواخر سده ۴ ق جست (متز، ۱۳۶۴ش، ۱/۲۰۸). تهامی در کتاب *تدوین و نشر حدیث در ایران* آماری از محدثان شهرهای مختلف در چهار سده نخست اسلامی بازمی‌نماید که حاکی از تعلق بیش‌ترین شمار محدثان به بوم نیشابور است (تهامی، ۱۳۸۹ش، ۳۰-۲۴).

پ) مسافرت‌ها به نیشابور

نشاط عالمان حدیث در نیشابور را افزون بر حلقه‌های علمی گسترده در این شهر، می‌توان در کثرت مسافرت‌های محدثان به این شهر باز دید. دست‌یابی به احادیث به طبع راهی جز بهره‌مندی از استادان و

بزرگان علمی نداشت و این امر مسافرت به نقاط مختلف را ضروری می‌کرد. طالبان علم خاصه دانشجویان حدیث با سفر به حوزه‌های حدیثی مختلف، روابط متقابلی میان مراکز مختلف علمی شکل می‌دادند. این سفرها به «رحله» شهرت یافت و نوعی کوچیدن برای کسب علم بود. مسافرت برای طلب حدیث در فرهنگ اسلامی از آن زمان شکل گرفت که مسلمانان برای کسب احادیث نبوی از صحابه‌ای که با فتوحات در بلاد مختلف پراکنده شده بودند، به آن بلاد مسافرت کردند (زیدان، ۱۳۷۹ش، ۳/ ۴۶۸). این مسافرتها در اعصار بعد هم امتداد یافت.

نیشابور به سبب کثرت عالمان حدیث در آن از مراکز مهم برای چنین مسافرتی بود. عالمان بزرگی از جای‌جای جهان اسلام به نیشابور مسافرت می‌کردند. برای نمونه، ابو عبدالله محمد بن حفص قریشی (د ۲۶۳ق) در نیشابور حدیث شنید و بعدها در جایگاه فقیه بزرگ همین شهر قرار گرفت (همان، ۲/ ۲۰۳؛ نیز نک: همان، ۳/ ۲۴۱).

افزون بر این، محدثان بسیاری از نیشابور نیز به بلاد مختلف مسافرت می‌کردند. به طبع این عالمان وقتی به شهر خود بازمی‌گشتند، نقش مهمی در توسعه دانش حدیث در این شهر ایفاء می‌نمودند. برای نمونه، ابوجعفر احمد بن سعید دارمی (د ۲۵۳ق) از محدثان نیشابوری بود که بیشتر اوقات خود را برای سماع حدیث به مسافرت پرداخت (سمعانی، ۱۴۱۹ق، ۲/ ۴۴۱). محدث دیگر از این دست، ابوزکریا یحیی بن محمد ذُهلّی است (ذهبی، ۱۹۹۷م، ۱۲/ ۲۸۶). بارزترین نمونه که پیش از این هم ذکرش رفت، مسلم بن حجاج صاحب کتاب صحیح است. وی پس از کسب دانش و معارف اسلامی در زادگاهش نیشابور، مسافرت‌هایی به حجاز، عراق، شام و مصر نمود (حاجی خلیفه، ۱۹۹۲م، ۲/ ۵۴۱-۵۵۵؛ برای اشاره به شیوه امرار معاش این طالبان حدیث در ضمن مسافرتها علمی، نک: سماعانی، ۱۴۱۹ق، ۵/ ۱۶۸؛ سبکی، بی تا، ۲/ ۱۶۹؛ ذهبی، بی تا، ۲/ ۵۳۱، ۷۲۲؛ نیز نک: ثنائی، ۱۳۹۰ش، ۲۷).

نتیجه

در مطالعه حاضر دریافتیم نیشابور با بهره‌مندی از موقعیت مناسب جغرافیایی در اعصار متقدم اسلامی مورد توجه عالمان مختلف از جمله محدثان بوده، و گسترش فعالیت‌های محدثانه در آن تأثیر بسزایی در

توسعه این علم داشته است. چنان که دیدیم، رویدادهایی مثل حضور امام رضا (ع) در این شهر، گسترش تألیف آثار حدیثی مهم و اثرگذار در آن همچون تألیف صحیح مسلم و شروح و مستخرج‌ها و مسندهایی که در پیوند با آن تألیف شد، حضور محدثان برجسته‌ای از سراسر جهان اسلام در آن، و هر چه از این دست موجب شد که در چهار سده نخست هجری علم حدیث در نیشابور جایگاهی برجسته یابد؛ چنان که نیمی از استادان محدثی بزرگ همچون حاکم نیشابوری متعلق به این بوم باشند، یا در حلقه‌های آموزش حدیث در این شهر، جمعیت‌های پرشمار گردآیند.

به این همه باید حضور گسترده و پرنشاط اقلیت‌هایی مثل شیعیان، تأسیس مراکزی همچون دارالسنه‌ها و رواج محافل حدیثی در بیوتات اهل علم را هم اضافه کرد. نتیجه این فضا آن شد که افزون بر برخاستن محدثان پرشمار از این بوم و تألیف آثار حدیثی بسیار در آن، مسافرت‌های گسترده‌ای هم از جای‌جای جهان اسلام بدان صورت گیرد و نیشابور در سده‌های نخست اسلامی مرکزی مهم برای کسب علوم حدیث باشد؛ آن سان که کهن‌ترین آثار تألیف‌شده در علوم حدیث – همچون *معرفة علوم الحدیث* حاکم نیشابوری – در این شهر شکل گیرند.

منابع

- ۱- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۴ش)، *عیون اخبار الرضا*، ترجمه محمد تقی اصفهانی، تهران، اسلامیه.
- ۲- ابن حوقل، محمد بن علی (۱۳۶۶ش)، *سفرنامه*، ترجمه جعفر شعار، تهران، امیرکبیر.
- ۳- ابن صلاح، عثمان بن عبدالرحمان (۱۴۰۴ق)، *علوم الحدیث*، به کوشش نورالدین عتر، دمشق، بی نا.
- ۴- اخوان صراف، زهرا، و مزروعی، زهره (۱۳۹۴ش)، «منهج علمی و برجستگی های فضل بن شاذان»، *مجموعه مقالات همایش ملی فضل بن شاذان نیشابوری*، نیشابور.
- ۵- اصطخری، ابراهیم بن محمد (۱۳۶۸ش)، *المسالك و ممالک*، ترجمه ایرج افشار، تهران، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۶- پطروشفسکی، ایلیا پائولوویچ (۱۳۵۰ش)، *اسلام در ایران*، ترجمه کریم کشاورز، تهران، پیام.
- ۷- تهامی، فاطمه سادات (۱۳۸۹ش)، *نقش ایرانیان در تدوین و نشر حدیث*، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.
- ۸- ثنائی، احمد رضا و بادکوبه هزاوه، احمد (۱۳۹۰ش)، «رحله های محدثان نیشابور در سده های ۳-۶ق و پیوند آن با معیشت ایشان»، *مطالعات اسلامی تاریخ و فرهنگ*، شماره ۷۹.
- ۹- جباری، محمدرضا (۱۳۷۹ش)، «شناخت و تحلیل مکتب حدیثی قم از آغاز تا قرن پنجم هجری»، *دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشهد*، شماره ۴۹-۵۰.
- ۱۰- جعفریان، رسول (۱۳۹۱ش)، *اطلس شیعه*، تهران، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.

- ۱۱- جوینی، عظاملک بن محمد (۱۳۶۶ش)، *تاریخ جهانگشا*، به کوشش عبدالوهاب قزوینی، تهران، زرین.
- ۱۲- حاجی خلیفه، مصطفی بن عبدالله (۱۹۹۲م)، *کشف الظنون*، بیروت، دار الکتب العلمیة.
- ۱۳- حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله (۱۳۷۵ش)، *تاریخ نیشابور*، ترجمه گزیده محمد بن حسین خلیفه نیشابوری، به کوشش محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران، نشر آگه.
- ۱۴- حسنی، هاشم معروف (۱۴۱۱ق)، *سیرة الائمة اثنی عشر*، بیروت، دار التعارف.
- ۱۵- حیدری نسب، علی رضا و دیگران (۱۳۹۴ش)، «امام رضا (ع) و اهل حدیث با تأکید بر گزارش‌های حاکم نیشابوری، فرهنگ رضوی، شماره ۱۰.
- ۱۶- ذنون ثامری، احسان (۱۳۹۴ش)، *حیات علمی در روزگار سامانیان: تاریخ فرهنگی خراسان در قرن سوم و چهارم هجری*، ترجمه جمال اشرفی، تهران، علمی فرهنگی.
- ۱۷- ذهبی، محمد بن احمد (۱۹۹۷م)، *سیر اعلام النبلاء*، به کوشش محب‌الدین عمروی، بیروت، دارالفکر.
- ۱۸- _____ (بی تا)، *تذکرة الحفاظ*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ۱۹- زارعی، هدا (۱۳۹۳ش)، «بازنمایی ساختار اجتماعی شهر نیشابور و چگونگی تأثیر آن در تکوین و گسترش ساختار شهری در سده‌های نخست اسلام»، *کنگره ملی پژوهش‌های کاربردی علوم انسانی اسلامی*، گرگان.
- ۲۰- زیدان، جرجی (۱۳۷۹ش)، *تاریخ تمدن اسلامی*، ترجمه علی جواهرکلام، تهران، امیر کبیر.
- ۲۱- سبکی، عبدالوهاب بن علی (بی تا)، *طبقات الشافعية الكبرى*، به کوشش عبدالفتاح محمد حلو و محمد محمد طناحی، بیروت، دار احیاء الکتب العربیة.
- ۲۲- سمعانی، عبدالکریم بن محمد (۱۴۱۹ق)، *الانساب*، به کوشش عبدالله عمر بارودی،

- بیروت، دارالجنان.
- ۲۳- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر (۱۴۰۹ق)، *تدریب الراوی*، به کوشش احمد عمر هاشم، بیروت، بی نا.
- ۲۴- شرفی، احمد رضا (۱۳۹۴ش)، «بررسی حوزه حدیثی نیشابور تا اوایل قرن چهارم و جایگاه فضل در آن»، *مجموعه مقالات همایش ملی فضل بن شاذان نیشابوری*، نیشابور.
- ۲۵- شیخ طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۰ق)، *الرجال*، نجف، المكتبة الحیدریه.
- ۲۶- صبحی صالح (۱۳۷۹ق)، *علوم الحدیث و مصطلحه*، دمشق، بی نا.
- ۲۷- صفا، ذبیح الله (۱۳۷۱ش)، *تاریخ ادبیات در ایران و در قلمرو زبان پارسی از آغاز عهد اسلامی تا دوره سلجوقی*، تهران، فردوس.
- ۲۸- طبری، محمد بن جریر (۱۳۶۹ش)، *تاریخ*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، اساطیر.
- ۲۹- عطاردی، عزیزالله (۱۴۰۶ق)، *مسند الامام رضا (ع)*، مشهد، آستان قدس.
- ۳۰- علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۰۲ق)، *الرجال*، به کوشش محمدصادق بحر العلوم، قم، مکتبه الرضی.
- ۳۱- غنیمه، عبدالرحیم (۱۳۸۸ش)، *تاریخ دانشگاه‌های بزرگ اسلامی*، ترجمه نورالله کسائی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۳۲- قرشی، عبدالقادر بن محمد (۱۹۹۳م)، *الجواهر المضية فی طبقات الحنفیة*، به کوشش عبدالفتاح محمد حلو، بیروت، مؤسسة الرساله.
- ۳۳- قندوزی، سلیمان بن ابراهیم (۱۴۱۶ق)، *ینابیع المودة*، تهران، اسوه.
- ۳۴- کسائی، نورالله (۱۳۸۳ش)، *فرهنگ نهادهای آموزشی ایران (از روزگار باستان*

- تا تأسیس دولت صفوی)، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۳۵- کشی، محمد بن عمر (۱۴۰۴ق)، *معرفة الرجال*، اختیار شیخ طوسی، به کوشش مهدی رجائی، قم، آل البيت.
- ۳۶- گرایلی، فریدون (۱۳۷۴ش)، *نیشابور، شهر فیروزه*، تهران، خاوران.
- ۳۷- متز، آدام (۱۳۶۴ش)، *تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری*، ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگزلو، تهران، امیر کبیر.
- ۳۸- مشکور، محمدجواد (۱۳۷۱ش)، *جغرافیای تاریخی ایران باستان*، تهران، دنیای کتاب.
- ۳۹- معارف، مجید (۱۳۷۴ش)، *پژوهشی در تاریخ حدیث شیعیه*، تهران، ضریح.
- ۴۰- مقدسی، مطهر بن طاهر (۱۳۶۱ش)، *احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم*، ترجمه علی نقی منزوی، تهران، شرکت مؤلفان و مترجمان ایران.
- ۴۱- مؤید ثابتی، علی (۱۳۳۵ش)، *تاریخ نیشابور*، تهران، راه آهن.
- ۴۲- ناجی، محمدرضا (۱۳۹۲ش)، *فرهنگ و تمدن اسلامی در قلمرو سامانیان*، تهران، امیر کبیر.
- ۴۳- نبئی، زهرا (۱۳۹۵ش)، «باز شناسی مکاتب حدیثی خراسان از قرن سوم تا پنجم هجری قمری»، *فصل نامه نقد کتاب قرآن و حدیث*، شماره ۶.
- ۴۴- نجاشی، احمد بن علی (۱۳۹۷ش)، *الرجال*، قم، داوری.
- ۴۵- یاقوت حموی (۱۳۸۳ش)، *معجم البلدان*، ترجمه علی نقی منزوی، تهران، انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور.